

بررسی تاریخ انقلاب اکتبر ، ساختمان سوسیالیسم در شوروی آن طور که بوده
و نه آن طوری که امپریالیست ها جعل و تحریف کرده اند

(6)

مایکل سیرز- آلبرت کان
کتاب چهارم
برگردان : الف نسیم

عقاب تنها

در اواخر ۱۹۴۰، در حالی که که هیتلر، طرح به بردگی کشیدن اروپا را دنبال کرده و خود را آماده رویارویی نهانی با ارتش سرخ میکرد، پدیده‌ای عجیب با نام „اولین کمیته‌ی آمریکائی“ در عرصه‌ی سیاست آمریکا ظاهر شد. با کمک رادیو، جلسات عمومی، تبلیغات خیابانی و دیگر وسائل تبلیغاتی، تشکیلات نامبرده طی چند سال، تہیجات ضد شوروی، ضد انگلیسی و انزوا طلبانه را در میان مردم در سراسر کشور آمریکا به راه انداخت.

رابرت ای. وود (Robert E. Wood)، هنری فورد، کلنل روبرت آر. مک کورمیک (Robert R. McCormick)، سناتور بارتون کی. هیلر (Burton K. Wheeler)، جرالد پی. نی (Gerald P. Nye) و روبرت رایس رینولدز (Robert Rice Reynolds) نماینده‌ی کنگره، هامیلتون فیش (Hamilton Fish)، کلر ای. هوفمن (Clare E. Hoffman)، استفان دی (Stephen Dey) و دختر جان ال. لونیس (John L. Lewis)، کاترین لونیس (Katherine Lewis) از جمله رهبران اصلی اولین کمیته‌ی آمریکائی بودند. معروفترین سخنگوی زن اتحادیه، خلبان سابق، لانورا اینگالس (Laura Ingalls) چهره‌ی درخشان محافل طبقه‌ی بالا، که بعدها به اتهام جاسوسی برای آلمانی‌ها محکوم شد. در پشت پرده جاسوس، دیگری به نام جورج سیلوستر فیراک مأموریت نوشتن تعداد زیادی از تبلیغات را به عهده داشت که جاسوسان اولین کمیته‌ی آمریکائی مأموریت انتشار آن را به عهده داشتند. رالف تونسنند (Ralph Townsend)، که بعدها به جرم جاسوسی برای ژاپنی‌ها محکوم شد، رهبری بخشی دیگر از اتحادیه‌ی اولین کمیته‌ی آمریکائی در سواحل باختری و سردبیری کمیته‌ی تبلیغاتی به نام "نظریات سردبیران" (Scribner's Commentator) و "هرالد" را به عهده داشت.

****سردبیران هرالد در دفاتر کار خود به رادیوهائی مجهز به موج کوتاه دسترسی داشتند که ایستگاه‌هایش به صورت شبانه روزی بر روی مناطقی از اروپا که تحت کنترل هیتلر و ژاپن بود تنظیم شده بود، و به این وسیله تبلیغات نیروهای فاشیستی توسط "هرالد" و "مفسران روزنامه" دریافت شده و بر روی آنها کار میشد.

این دو روزنامه به صورتی مجانی در ایالات متحده آمریکا پخش، در جلسات علنی "اولین کمیته‌ی آمریکائی" تقسیم و به صورت وسیع به لیست آدرس‌های مخصوصی که به وسیله‌ی چارلز آ. لیندبرگ، هامیلتون فیش، چارلز ای. کافلین (Charles E. Coughlin)، سناتور بارتون کی. هیلر و جاسوس نازی‌ها فرانک بی. بارچ (Frank B. Burch)، جورج سیلوستر فیراک و دیگران، برای „اولین کمیته‌ی آمریکائی“، تهیه شده بود، فرستاده میشد.

ورنر سی. فون کلم (Werner C. von Clemm)، که بعدها به خاطر قاچاق الماس - که با توافق کامل فرماندهان آلمانی صورت گرفت - به ایالات متحده آمریکا، محکوم شد، به عنوان استراتژیستی با هویت جعلی به "اولین کمیته‌ی آمریکائی" کمک مالی میکرد. فرانک بی. بارچ، که بعدها به اتهام گرفتن ۱۰۰۰۰ دلار رشوه از دولت نازی‌ها برای تبلیغات غیر قانونی در ایالات متحده آمریکا محکوم شد، در ساختن شعبه‌ی اتحادیه در آکرون، اوهایو شرکت کرد.

در ژوئیه ۱۹۴۲ وزارت دادگستری آمریکا "اولین کمیته‌ی آمریکائی" را به عنوان تشکیلاتی اعلام کرد که به فعالیت‌های توطئه گرانه جهت نابود کردن روحیه‌ی نیروهای نظامی ایالات متحده اشتغال داشت.

مشهورترین رهبر و سخنگوی "اولین کمیته‌ی آمریکائی" خلبان آمریکائی چارلز آ. لیندبرگ بود که در آن زمان خود را به عنوان هوادار نازی‌ها و مبلغی ضد شوروی در اروپا و آمریکا معرفی کرده بود. لیندبرگ برای اولین بار در تابستان ۱۹۳۶ از آلمان بازدید کرد. او به عنوان میهمان نازی‌ها مسافرت می‌کرد. نازی‌ها مراسم باشکوهی را به احترام او ترتیب داده و مزایای بسیاری را به او تخصیص داده بودند. مقامات ارشد نازی شخصاً او را به "بازدید" صنایع نظامی و پایگاه‌های هوایی دعوت می‌کردند. آلمان نازی تأثیر بسیار شدیدی بر روی لیندبرگ گذاشت. او در میهمانی‌های متعددی که فلد مارشال هرمان گورینگ و دیگر فرماندهان نازی به خاطر او برگزار می‌کردند، از اعتقادات خود مبنی بر غیر قابل شکست بودن نیروی هوایی آلمان صحبت می‌کرد. او برای خلبان مشهور ژنرال هوایی، ارنست اودت (Ernst Udet)، اظهار داشت که:

« آلمان در رشته‌ی صنعت هواپیمائی بر دیگر کشورها برتری دارد. نیروی هوایی آلمان شکست ناپذیر است. »

ژنرال نیروی هوایی آلمان برونو لوزر (Bruno Loerzer) به خبرنگار سیاسی بلا فروم (Bella Fromm) گفت:

« این آمریکائی‌های لعنتی چه طور فکر میکنند؟ » او با صحبت در مورد نیروی هوایی بی رقیب ما وحشت عجیبی را در دل آمریکائی‌ها به وجود می‌آورد، و این همان کاری بود که بچه‌های ما از او میخواستند. - آکسل فون بلومبرگ (Axel von Blomberg) پسر وزیر جنگ نازی‌ها که پس از حضور در یک مهمانی که به خاطر لیندبرگ برگزار شده بود گفت:

« ما مبلغی بهتر از او را پیدا نخواهیم کرد. »

دو سال بعد، طی روزهای سختی که عهد نامهی مونیخ هنوز اعتبار داشت، لیندبرگ از اتحاد جماهیر شوروی بازدید کرد. او فقط چند روزی در آنجا بود. پس از بازگشت، بلافاصله آغاز به پخش تبلیغاتی از قبیل این که ارتش سرخ فاقد تجهیزات و تعلیمات کافی بوده و به وسیله‌ی فرماندهانی نالایق رهبری میشد، کرد. او ضمانت میداد که در مقابل آلمان نازی نمیشد بر روی اتحاد جماهیر شوروی به عنوان متحدی قابل اطمینان حساب کرد. او معتقد بود که، باید با آلمانی‌ها همکاری میشد نه بر علیه آنها. در فرودگاه‌های کشورهای اروپائی در حال جنگ، هواپیمای سیاه - نارنجی او به یک چهره‌ی آشنا، تبدیل شده بود. او از کشوری به کشوری دیگر پرواز میکرد و در مورد ایجاد اتحادی سیاسی و اقتصادی با آلمان نازی صحبت میکرد. در حالی که مذاکرات مونیخ جریان داشت، گروه‌هائی منتخب از تاجران، اشراف و سیاستمداران ضد شوروی بریتانیائی در املاک خانم آستور (Lady Astor) واقع در کلیودن (Cliveden) تجمع کردند تا به نظرات لیندبرگ در مورد وضعیت اروپا گوش کنند. لیندبرگ در مورد نیروی هوایی پر قدرت آلمان، تولید سریع وسایل جنگی و رهبری با تجربه‌ی آنها صحبت کرد. او بارها و بارها تکرار کرد که نازی‌ها شکست ناپذیرند. او به فرانسه و انگلیس پیشنهاد کرد که با آلمان نازی توافق کنند و بدون اعلام جنگ "اجازه دهند که آلمان از داخل شوروی به سمت شرق پیشروی کند". در ۳۰ اکتبر ۱۹۴۱، در جلسه‌ای ترتیب داده شده از طرف "اولین کمیته‌ی آمریکائی" در ایالات متحده آمریکا، لیندبرگ در جریان تشریح فعالیت‌های خود طی آن زمان گفت:

« سال ۱۹۳۸ من به این نتیجه رسیدم، که یک جنگ احتمالی میان آلمان از یک طرف و فرانسه و انگلیس از طرف دیگر، نتیجه‌ای به جز پیروزی آلمان و یک اروپای ضعیف و نابود شده ندارد. به همین دلیل پیشنهاد کردم، که انگلیس و فرانسه بدون این که اعلام جنگ کنند، اجازه دهند که آلمان به سمت شرق، به سوی شوروی پیشروی کند. »

جلسات متعدد صمیمانه‌ای میان لیندبرگ و تعداد بسیاری از نمایندگان مجلس و رهبران سیاسی انگلیس تشکیل شد. از میان آنها میتوان از دیوید لوید جورج (David Lloyd George) نام برد که بعدها نظر خود را در مورد خلبان آمریکایی به این شکل اعلام کرد:

« من فکر میکنم که او حدود هشت روز در شوروی بود. او هیچ یک از رهبران بلند پایه‌ی شوروی را ملاقات نکرد، و امکاتی برای بازدید از نیروی هوایی آنجا را نیز نداشت، با این حال او در بازگشت برای ما گفت که ارتش شوروی ضعیف بود و این که کارخانجات شوروی در شرایط بدی به سر میبردند. به استثنای هیتلر، تعداد زیادی بودند که این سخنان را باور میکردند. از طریق صحبت با لیندبرگ، لوید جورج، بر اساس گفته خودش، به این نتیجه رسیده بود که خلبان آمریکایی "جاسوس و بازیچه‌ی افرادی زیرک و شرورتر از خودش بود. »

از اتحاد جماهیر شوروی، همین اتهامات با زبان مشخص تر و واضح تری مطرح شد. گروهی از خلبانان با تجربه‌ی شوروی، در مسکو بیانیه‌ای را افتاء کرده و لیندبرگ را به پخش "دروغ‌های بزرگ" در مورد این که آلمان نازی دارای چنان نیروهای هوایی مقتدریست که قادر بود نیروی هوایی انگلیس، فرانسه، اتحاد جماهیر شوروی و چکسلواکی را نابود کند، متهم کردند. خلبانان شوروی در ادامه گفتند:

« لیندبرگ نقش یک دروغگوی احمق، غلام حلقه به گوش و چاپلوس آلمان نازی و پشتیبانان اشراف انگلیسی خودش را بازی میکند. او از طرف نیروهای ارتجاعی انگلیسی دستور گرفته است که در مورد ضعف نیروی هوایی اتحاد جماهیر شوروی سخن گفته و به "چمبرلین" بهانه‌ای بدهد که در مونیخ مسئله‌ی چکسلواکی را فدا کند. »

سه هفته پس از امضای قرارداد مونیخ، دولت آلمان به صورتی رسمی از خدمات لیندبرگ ستایش به عمل آورد. در ۱۸ اکتبر ۱۹۳۸، طی یک ضیافت شام که به افتخار لیندبرگ در برلین برگزار شده بود، گورینگ فرماندهی نیروی هوایی آلمان مهم‌ترین نشان افتخار آلمان، "نشان افتخار عقاب آلمان" را به دلیل آن که لیندبرگ صداقت خود را در انجام ماموریت‌های خود به آلمانی‌ها ثابت کرده بود، به او داد. پس سه سال و نیم زندگی در خارج از کشور، لیندبرگ کمی قبل از آغاز جنگ در سال ۱۹۳۹ به ایالات متحده آمریکا بازگشت.

بلافاصله پس از اشغال لهستان توسط نازی‌ها و اعلام جنگ از طرف انگلستان و فرانسه به آلمان، لیندبرگ به سرعت دست به انتشار یک بیانیه‌ی فوری زد:

« جنگ بر علیه‌ی آلمان غلط بود، جنگ اصلی در شرق بود. در مقاله‌ای با تیتر "پرواز، جغرافیا و نژاد" که در شماره‌ی نوامبر روزنامه‌ی "ریدرز دایجست"، منتشر شد و به طرز شگفت‌انگیزی سخنان آلفرد روزنبرگ را تداعی میکرد، لیندبرگ اعلام کرد:

« ما، وارثان فرهنگ اروپا، در آستانه‌ی یک جنگ خانمان برانداز قرار گرفته‌ایم، جنگی میان ملت‌هایی که متعلق به یک خانواده میباشند، جنگی که به صورتی جدی از قوای نژاد سفید را کاسته و منابع آنان را نابود میکند.... آسیا از مرزهای شوروی به ما فشار می‌آورد، تمام نژادهای اجنبی بدون هیچ مانعی به حرکت در آمده‌اند. ما در صورتی می‌توانیم در صلح و آرامش زندگی کنیم که با هم متحد شده و به بهترین نحو از با ارزش‌ترین دارایی خود - خون اروپایی - که وارث آن هستیم محافظت کنیم. فقط تا زمانی که در مقابل حمله‌ی نیروهای خارجی از خود دفاع میکنیم و خود را از مخلوط شدن با نژاد خارجی محفوظ نگه می‌داریم. »

طی سال ۱۹۴۰ لیندبرگ هر چه بیشتر به جنبش انزواطلب، ضد شوروی و متحد فاشیست‌ها، که در آن زمان در آمریکا رشد کرده بود، نزدیک شد. او به سرشناس‌ترین سخنگوی اتحادیه‌ی انزواطلب "کمیت‌هی نه به جنگ خارجی" و به سمبلی برای ستون پنجم در آمریکا تبدیل شد.

در سال ۱۹۳۷ جان سی. متکالف، یکی از گزارشگران دیلی تایمز شیکاگو که بعدها به استخدام پلیس امنیتی در آمد، اظهارات زیر را که توسط رهبر اتحادیه‌ی آلمانی - آمریکائی شاخه‌ی آستوریا در لئونگ ایسلند، هرمان اسوارزمان برای او تهیه شده بود گزارش کرد:

« میدانید که چه کسی رهبر حزب بزرگ سیاسی ما خواهد شد؟ لیندبرگ! بله، این مطلب آن قدرها هم غیر عقلانی به نظر نمی آید که شما تصور میکنید. شما میدانید که برای او همراه کردن مردم با خود، کار آسانست. آمریکائی‌ها او را دوست دارند. بله، مسائل زیادی در جریان اتفاق افتادن است که مردم از وقوع آنها اطلاع ندارند. »

در پائیز ۱۹۴۰ لیندبرگ در دانشگاه یال (Yale) در مقابل گروه کوچکی از دانشجویان اظهار کرد:

« ما باید با قدرتهای جدید اروپا صلح کنیم. »

جلسه در دانشگاه یال توسط یک دانشجوی ثروتمند به نام آر. داگلاس استوارت (R.Douglas Stuart jr.)، و وارث ثروت شرکت کواکر اوتس (Quaker-Oats) ترتیب داده شده بود. پس از مدت کوتاهی گروه استوارت در شیکاگو، ایلینویز تحت نام "اولین کمیته‌ی آمریکائی" متحد شدند.

لیندبرگ در جلسات بزرگ که توسط "اولین کمیته‌ی آمریکائی" در سراسر کشور و در رادیوی سراسری ترتیب داده میشد سخنرانی میکرد و به مردم آمریکا میگفت که دشمن اصلی اتحاد جماهیر شوروی بود، نه آلمان نازی. او اخطار میداد که جنگ « میان آلمان از یک طرف و انگلستان و فرانسه از طرف دیگر »، می توانست یا به پیروزی آلمان بیانجامد و یا این که یک اروپای نابود شده و درمانده را بر جای گذارد". این جنگ باید به جنگی متحد بر علیه اتحاد جماهیر شوروی تبدیل شود.

اولین کمیته‌ی آمریکائی حمله‌ی آلمان نازی به اتحاد جماهیر شوروی را مورد تحسین قرار داد. سرمقاله‌ی سخنگوی آنها هرالد با این سرمقاله تزیین شده بود:

" مبارزه مردم اروپا بر علیه شوروی کمونیستی "

* * * * *

بهمن ادیب 2007/09/11